

موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی مناطق روستایی استان اصفهان

سولماز دری سده^{۱*} و مرتضی توکلی^۲

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

اطلاعات مقاله	چکیده
دوره ۲، شماره ۶، زمستان ۱۴۰۰ صص ۲۴-۳۹ DOR:20.1001.1.27173747.1400.2.6.3.9	کارآفرینان بخشی مهمی از فعالیت‌های اقتصادی را به خود اختصاص می‌دهند و نقش مهمی در اشتغال‌زایی و توسعه در مناطق روستایی را به عهده‌دارند، برای رسیدن به اهداف خود در بحث توسعه پایدار روستایی باید به دنبال گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد سبز در کسب‌وکارهای خود باشند؛ اما برای اجرای اقتصاد سبز در این مناطق، در ایران با موانعی روبه‌رو هستند. در همین راستا هدف این پژوهش که یک تحقیق توصیفی با رویکرد کیفی است، شناسایی موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی مناطق روستایی استان اصفهان می‌باشد. جامعه آماری در بخش پژوهش کیفی ۱۰ نفر از اعضای هیئت‌علمی که صاحب‌نظر و خبیره در حوزه اقتصاد، کارآفرینی و توسعه روستایی بودند تشکیل دادند و داده‌های لازم از طریق مصاحبه-ی نیمه ساختاریافته اکتشافی محقق ساخته گردآوری شد. با استفاده از راهبرد تحلیل محتوا ۲۶ مقوله‌ی استخراج گردید. مقوله‌ها در قالب پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت در اختیار جامعه آماری دوم قرار گرفت که برابر با ۴۰ نفر کارآفرینان حوزه کشاورزی-روستایی استان اصفهان برآورد گردید و کل اعضا، موردبررسی قرار گرفتند. به‌منظور تلخیص متغیرها از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی با نرم‌افزار SPSS استفاده شد. مقدار KMO، ۰/۰۷ و مقدار آزمون بارتلت ۴۸۹/۴۰۹ به دست آمد که در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار بود. نتایج تحلیل عاملی نشان داد، تبیین کل واریانس توسط ۴ عامل استخراج‌شده از گویه‌های موردبررسی، ۸۰/۱۷۱ درصد است. در این پژوهش، موانع آموزشی- ترویجی، موانع ساختاری- محیطی، موانع مدیریتی- فنی و موانع حمایتی- انگیزشی به ترتیب با تبیین ۳۸/۸۸۰ درصد، ۱۷/۱۸۲ درصد، ۱۴/۸۰۸ درصد و ۹/۳۰۱ درصد از واریانس کل، به‌عنوان مهم‌ترین موانع توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی استان اصفهان شناسایی شدند.

کلید واژه‌ها: اقتصاد سبز، توسعه، کارآفرینی، روستایی.

مقدمه

تداوم راهبردهای مرسوم و یک سو به رشد و توسعه در دهه‌های اخیر، مبتنی بر مدل‌های اقتصادی هزینه-فایده و حسابداری‌های مالی، باعث نگرانی‌های شدیدی در حوزه زیست‌محیطی در سرتاسر جهان شده است. این الگوها، گرچه باعث ارتقاء شاخص‌های رشد و تولید ثروت شده است، اما عمدتاً به تنزل و افت محیط‌زیست، افزایش آلودگی‌ها، تخریب و زوال منابع محیطی، توزیع نابرابر ثروت در نتیجه ناپایداری توسعه در کشورها و مناطق منجر شده است (Boden et al, 2017). پایداری یک هدف برجسته در برنامه‌ریزی محیطی و فضایی طی سه دهه قبل بوده است. در واقع مجموعه‌ای از برنامه‌های گوناگون باهدف تسهیل توسعه اقتصادی و اجتماعی و در راستای آن کاهش و یا حتی معکوس کردن آسیب‌های زیست‌محیطی مورد توجه و پیشبرد قرار گرفته است (Orenstein and Shach-Pinsley, 2017:255). بر همین اساس در سال‌های اخیر مفهوم جدیدی با عنوان اقتصاد سبز^۱ در گفتمان‌های توسعه‌ی پایدار جهانی، مورد توجه قرار گرفته است. اقتصاد سبز، اقتصادی است که هدف آن کاهش خطرات و کمبودهای زیست‌محیطی در کنار درآمدهای اقتصادی است. این مفهوم جدید، رابطه نزدیکی با اقتصاد زیست‌محیطی دارد، اما تمرکز سیاسی بیشتری را با خود به همراه دارد (Mickiewicz and Jurczak, 2021: 314-317)؛ بنابراین از سال ۲۰۱۲ به بعد اقتصاد سبز به‌عنوان یک چارچوب برای کاهش تغییرات اقلیمی، یک محرک جدید سبز برای رشد اقتصادی و ابزاری برای کاهش فقر ارائه شده است که هدف کلی آن ارائه یک تسهیل‌کننده و سرعت بخش در جهت دستیابی به توسعه پایدار می‌باشد (UNEP 2011; OECD 2012; World Bank 2012; Bergius et al, 2017). اقتصاد سبز عملاً کلیه زمینه‌های فعالیت بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهد که ممکن است بر هر یک از مؤلفه‌های محیط طبیعی، طبیعت و شرایط اکولوژیکی زندگی جوامع، نسل‌های فعلی و آینده تأثیر بگذارد. بر اساس تجربه کشورها اروپایی، اقتصاد سبز یک عامل اساسی در توسعه محلی و منطقه‌ای خواهد بود (Jurczak and Mickiewicz, 2021: 322).

الگوهای رشد و توسعه در ایران نیز، گرچه به پیروی از روندهای پیموده شده جهانی، به تولید ثروت و افزایش ارزش افزوده ناشی از بخش‌های مختلف اقتصادی منجر شده است، اما نابرابری‌های درآمدی و نیز اختلال در تحقیق هدف و توسعه پایدار را به همراه داشته است به‌خصوص در مناطق روستایی. از سوی دیگر این روندها در کنار هشدارهای منعکس‌شده در گزارش‌هایی هم چون پروژیه جهانی کربن (UNFCCC, 2017) که ایران در سال ۲۰۱۶ در رتبه هفتم میزان انتشار دی‌اکسید کربن جهان طبقه‌بندی می‌کند و نیز آمار نگران‌کننده محیط زیستی، هم چون خشک شدن دریاچه‌های داخلی، آلودگی هوا و تخریب جنگل‌ها و زمین طبیعی، نگرانی‌های شدیدی را در دهه‌های اخیر نسبت به الگوهای مرسوم رشد برانگیخته است (ندایی طوسی و ملک خانی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین می‌توان با توجه به آنچه با آن در ایران روبه‌رو هستیم اذعان کرد هنوز کشور در راستای بهبود وضعیت زیست‌محیطی و بهبود توسعه اقتصادی چندان پیشرفت محسوسی نداشته است و شاخص‌های توسعه پایدار و رویکردهای جدیدی همچون اقتصاد سبز جهت تحقق پایداری چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی در ابتدای راه می‌باشد.

همان‌طور که اشاره شد اقتصاد سبز پیش‌نیاز توسعه پایدار است و در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها توسعه‌ای در ایران، توسعه‌ی پایدار روستایی همیشه جایگاهی محوری در این برنامه‌ها داشته است (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۱). به همین منظور برای رفع مشکلات حوزه روستایی مثل فقر، مهاجرت و ...، به بعد اقتصادی توسعه توجه بیشتری شده است. در برنامه‌های توسعه روستایی، کارآفرینی به‌عنوان یک زیربخش مهم اقتصادی و به‌منزله‌ی یک مداخله‌ی راهبردی که می‌تواند فرایند توسعه‌ی روستایی را تسریع بخشد مورد توجه است؛ اما در کنار تمامی مزیت‌های حاصل از کارآفرینی نباید فراموش کرد که کارآفرینی هم مانند دیگر فعالیت‌های اقتصادی، تخریب زیست‌محیطی را به همراه دارد و عدم مدیریت صحیح در این حوزه باعث عدم پایداری در محیط‌زیست و منابع طبیعی در سکونت‌گاه‌های روستایی شده است (Howley et al. 2014; Abbasian et al. 2017)؛ قربانی و بنی عامریان، ۱۳۹۸). گروهی از

پژوهشگران عدم پایداری تولید و کاهش امنیت غذایی، آلودگی، فرسایش خاک و تغییرات آب و هوایی را نمونه‌هایی از اثرات ناصحیح فعالیت‌های کارآفرینی در سکونت‌گاه‌ها روستایی می‌دانند (Chick, 2009)؛ بنابراین دولت، سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی و عمومی برای کاهش تأثیرات زیست‌محیطی خود چاره‌ای جز این ندارند که با اهداف و عناصیر اقتصاد سبز در فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی هم‌گام شوند. با این تفاسیر کارآفرینان نیز که بخشی مهمی از فعالیت‌های اقتصادی را به خود اختصاص می‌دهند و نقش مهمی در اشتغال‌زایی و توسعه در مناطق روستایی را به عهده‌دارند، برای رسیدن به اهداف خود در بحث توسعه پایدار روستایی باید به دنبال گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد سبز در کسب‌وکارهای خود باشند. چراکه کارآفرینان با نوآوری‌های سبز، تولید محصولات و خدمات پایدار و سازگار با محیط‌زیست (کارآفرینی سبز) می‌توانند در اجرای عملیاتی اقتصاد سبز به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران در مناطق روستایی کمک شایانی انجام دهند (سعیدی و رستگار، ۱۳۸۸؛ مطیعی لنگرودی و یاری، ۱۳۹۰). استان اصفهان به‌عنوان یکی از استان‌هایی که اکوسیستم کارآفرینی فعالی در حوزه کارآفرینی روستایی در حوزه‌های کشاورزی، صنعت، خدمات و گردشگری دارد نیز از این قاعده مستثنی نیست و با مشکلات محیط‌زیستی زیادی روبه‌رو است که بخشی از آن ناشی از کسب‌وکارها و فعالیت‌های کارآفرینی روستایی است. کارآفرینی در حوزه گردشگری روستایی در این استان باعث شده است آلودگی منابع آب و تخریب چشم‌اندازهای طبیعی و تغییر کاربری اراضی کشاورزی را برای روستاها به ارمغان بیاورد (رضوانی و صفایی، ۱۳۸۴) و یا گردشگری در حوزه صنایع دستی مشکلاتی از قبیل تخریب منابع محلی، افزایش زباله و پسماند را به همراه داشته است. در همین راستا تحقیق حاضر به بررسی و ارزیابی موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی مناطق روستایی استان اصفهان پرداخته است. هدف اصلی از انجام این پژوهش شناسایی موانع توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی اصفهان از دیدگاه کارآفرینان کشاورزی - روستایی در این استان است. امید است که با شناسایی مشکلات و موانع بتوان گامی در جهت رفع آنان و ایجاد بستر مناسب‌تری برای دست یافتن به اقتصاد سبز برداشت.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

آخرین تحول اقتصادی جهانی نشان می‌دهد که با اقتصاد دانش‌بنیان، نقش سرمایه‌انسانی، نوآوری‌ها و فناوری‌های جدید ارتباط نزدیکی ایجاد کرده است؛ و این روند جدید و روشنی که امروزه می‌توان مشاهده کرد، بر اقتصاد سبز، توسعه سبز، کارآفرینی سبز، شرکت‌های سبز و مشاغل سبز متمرکز شده است (Magnuszewski, 2010)؛ بنابراین با توجه به مشخص شدن اهمیت اقتصاد سبز باید اذعان کرد که هنوز تعریف صریح اقتصاد سبز با برخی مشکلات همراه است چراکه این اصطلاحی نسبتاً جدید است و کارشناسان این حوزه‌ی در ابتدای راه هستند، بنابراین بین تعاریف موجود از این اصطلاح هنوز اختلافاتی وجود دارد (Bednarz and Kulawczuk, 2014: 16-18). به همین سبب مفهوم اقتصاد سبز به دلایل زیر، چالش‌برانگیز شده است: نبود یک تعریف پذیرفته‌شده بین‌المللی یا اصول جهانی فراگیر برای اقتصاد سبز، شکل‌گیری مفاهیم و اصطلاحات مرتبط به هم ولی متفاوت در سال‌های اخیر (مانند رشد سبز، توسعه کم‌کربن، اقتصاد پایدار، اقتصاد حالت‌پایا و نظایر آن)، عدم شفافیت پیرامون این که برنامه‌های سیاست اقتصاد سبز چه مسائلی را در برمی‌گیرد و چطور با اولویت‌ها و اهداف ملی مرتبط با رشد اقتصادی و ریشه‌کنی فقر تلفیق می‌شود. در همین راستا به‌منظور شفاف‌سازی مفهوم اقتصاد سبز سازمان‌های بین‌المللی ذینفع اقدام به نشر کتب و مقالاتی از ابعاد مختلف در این حوزه نمودند تا این‌کدام دانشی را پر نمایند. مفهوم اقتصاد سبز برای اولین بار در سال ۱۹۸۹ میلادی توسط گروهی از اقتصاددانان پیشرو در زمینه محیط‌زیست، باهدف تنظیم دستور کارهای عملیاتی توسعه پایدار و تدوین چارچوب سنجش و اندازه‌گیری میزان پیشرفت اقتصاد در راستای اهداف توسعه پایدار، در قالب گزارش «طرحی برای اقتصاد سبز» توسط دولت انگلستان منتشر شد؛ اما آنچه قابل توجه است این است که در حال حاضر، بسیاری از کارشناسان موافق‌اند که اقتصاد سبز یک اجرای عملی از مفهوم توسعه پایدار و دائمی است که

موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی و .../ دری و توکلی

به دلیل عدم عملیاتی شدن و انتقال به سیاست به عنوان اهداف و روش‌های خاص امکان دستیابی به این اهداف، بازتاب عملی خود را پیدا نکرده است (Ryszawska, 2013:145). چراکه بسیاری از دولت‌ها به خاطر ترس و نگرانی از کاهش پویایی رشد اقتصادی در نتیجه کاهش استفاده از منابع طبیعی، معتقدند اجرای اقتصاد سبز ممکن نیست (Towards a Green Economy, 2011). این مسئله در کنفرانس سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در نتیجه، بیانیه‌ای شامل اقتصاد سبز به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای دستیابی به توسعه پایدار و دائمی و فراهم کردن ابزاری برای شکل دادن به سیاست‌های تک‌تک کشورها تصویب شد (Szyja, 2015:34). اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)، نیز اقتصاد سبز را اقتصادی تعریف می‌کند که در آن «رشد و بهبود اقتصادی» و «مسئولیت‌پذیری محیط زیستی» هم‌راستا بوده و هم‌زمان پشتیبان توسعه‌ی اجتماعی نیز باشند (Bacher, 2011; UNEP, 2012). اقتصاد سبز، اقتصادی است که در سایه زندگی انسان‌های پیشرفته و عدالت اجتماعی پدید می‌آید در حالی که در آن خطرها و آسیب‌های زیست‌محیطی در کم‌ترین میزان ممکن رخ خواهد داد (قربانی و بنی عامریان، ۱۳۹۸: ۱۵۶). با این تعاریف اقتصاد سبز پیش‌زمینه لازم برای دستیابی به پایداری است زیرا دربرگیرنده سه فاکتور اصلی پیشرفت یعنی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و محیطی است (Jurczak and Mickiewicz, 2021). اهمیت اقتصادی سبز به حدی است که به عنوان کلید توسعه پایدار شناخته می‌شود؛ به عبارت دیگر توسعه‌ی پایدار درگرو گذار به سمت اقتصاد سبز است؛ بنابراین دستیابی به اقتصاد سبز بدون توسعه‌ی پایدار در منطقه، بی‌اثر و حتی غیرممکن است (Diyar et al, 2014:697). پس می‌توان بیان کرد که اقتصاد سبز ابزاری برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار روستایی است. چراکه توسعه پایدار روستایی جزو جدایی‌ناپذیر حفاظت زیست‌محیطی است و بهبود در کیفیت زندگی و حیات بشری را با در نظر گرفتن ظرفیت تحمل اکوسیستم دنبال می‌کند و نوعی از توسعه است که بر اساس عدالت بین و درون نسل‌ها به دنبال تحقق بهزیستی و رفاه زندگی برای انسان‌هاست (Richards, 2002). در نظام توسعه‌ی پایدار روستایی، افزایش استانداردهای زندگی و بهبود کیفیت زندگی، افزایش صنایع مرتبط با تولیدات کشاورزی، عرضه کالا و خدمات، فراهم آوردن و سایل رفاهی برای افزایش استاندارد زندگی، مشارکت مردمی در برنامه‌های توسعه، ارزش به کرامت انسانی، حس اعتماد به نفس و فراهم آوردن شرایط محیطی در جهت رشد محصولات زراعی بیشتر، کاهش فقر و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها را دارا می‌باشیم (Jamil, 1999). نسبت به آنچه بیان شد به این مسئله مهم پی می‌بریم که ویژگی‌ها و اهداف توسعه‌ی پایدار روستایی بیگانه با اهداف اقتصاد سبز نیستند و برای همین غرابت و نزدیکی اهداف است که اقتصاد سبز را به عنوان کلید توسعه‌ی پایدار معرفی می‌کنند (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۷؛ Diyar et al, 2014). مشاهده و تعریف تحولات ساختاری مرتبط با توسعه‌ی پایدار و پیاده‌سازی اقتصاد سبز، یک موضوع تحقیق و قابل تأمل است که اغلب در مرز بین علم و سیاست است، زیرا از یک طرف، سیاستمداران نیاز به تجزیه و تحلیل یک سیستم اقتصادی-اجتماعی پیچیده دارند و جامعه علمی در اجرای تغییرات عملی به نتیجه‌گیری و تجارب سیاستمداران نیاز دارند (Jurczak and Mickiewicz, 2021).

به بیان روشن، اقتصاد سبز اندیشه‌ای است که معتقد است رشد درآمد و اشتغال توسط سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی و خصوصی باید به شکلی انجام گیرد که انتشار کربن و آلودگی را به حداقل رسانده و کارایی منابع را افزایش داده و از کاهش تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی جلوگیری کند (UNEP, 2011). چنین تحولاتی عمدتاً از طریق سرمایه‌گذاری‌های «سبز»، ایجاد مشاغل «سبز»، ایجاد بازار برای محصولات «سبز جدید» از تجارت بین‌المللی و اقتصاد مدور تحقق پیدا می‌کند. هدف روشن و کلی اقتصاد سبز، مبارزه با فقر و حمایت از کشورهای در حال توسعه است با عناصر اصلی، بهره‌وری انرژی در ساخت‌وساز، انرژی تجدیدپذیر، اصلاحات مالی و محیطی و حمل‌ونقل سبز (Kasztelan, 2017:490)؛ و تحقق آن یعنی تعادل بین سه عرصه‌ی محیط‌زیست، اقتصاد و اجتماع با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و شایسته برای نیروی کار روستایی (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۷). در همین راستا طرح مشاغل و کارآفرینی سبز با ابتکار سازمان جهانی کار و برنامه محیط‌زیست ملل متحد، در کانون توجه گفتمان توسعه‌ی

پایدار قرار گرفت. به همین خاطر برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف تصمیم گرفتند تو سعه‌ی پایدار اقتصادی مبتنی بر خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی را جایگزین الگوهای اقتصادی هدایت شده کنند. به طوری که هرروزه بنگاه‌ها، شرکت‌ها و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مقیاس در سطح کشورها در حال شکل‌گیری است؛ زیرا صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند که کارآفرینان با استفاده از قدرت نوآوری، خلاقیت و برقراری ارتباط بین عوامل و پذیرش ریسک، قادر به شناسایی فرصت‌ها و برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی جدید در عرصه‌های تولید بازاریابی، توزیع و مصرف‌اند؛ و می‌توانند اقتصاد محلی را شکوفا سازند و به رونق و رشد اقتصادی سبز در سکونت‌گاه‌های مختلف کمک کنند. در همین راستا جامعه روستایی نیز از این امر مستثنا نبوده و با استفاده از ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی به دنیای کارآفرینی ورود کرده‌اند (سجاسی قیداری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۵). کارآفرینی برای اینکه بتواند به تسریع توسعه‌ی پایدار روستایی و اقتصاد سبز کمک کند باید اهداف پایداری و رویکرد مدیریت محیط‌زیست را در تمام فرایند چرخه کارآفرینی در نظر بگیرد و به دنبال نوآوری‌هایی باشند تا محصولات و خدمات پایدار تولید نموده و یا تولیداتشان سازگار با محیط‌زیست باشد (Sekerka and Stimel, 2011)؛ اما کارآفرینان برای رسیدن به نقطه‌ای از پایداری در کسب‌وکارشان همیشه با موانع و مشکلاتی روبه‌رو هستند. این موانع نیز در کارآفرینی روستایی هم بسیار زیاد به چشم می‌خورد و از آنجایی که ارتباط دوسویه بین روستا و محیط‌زیست و تأثیرپذیری هر چه بیشتر سکونت‌گاه‌های روستایی از محیط‌زیست نسبت به دیگر سکونت‌گاه‌ها بیش‌تر است، بر همین اساس، نیاز به درک موانع و مشکلات گذار کارآفرینی به سمت کارآفرینی پایدار و یا کارآفرینی که هم‌گام با اهداف اقتصاد سبز باشد از اهمیت بالایی برخوردار است (munoz and Dimov, 2015).

با مطالعه در ادبیات جهانی و داخلی در حوزه اقتصاد سبز روستا و موانع و چالش‌های آن پژوهش‌های محدود صورت گرفته است که این مسئله نشان‌دهنده شکاف تحقیقاتی در این حوزه و ضرورت انجام تحقیقات بیش‌تر در این زمینه را نشان می‌دهد، بنابراین سعی شد بهترین منابع و نزدیک‌ترین پژوهش‌های انجام شده به موضوع پژوهش حاضر معرفی شوند. میکویچ و یورچاک^۱ (۲۰۲۱) در بررسی موانع توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی لهستان به این نتیجه دست یافتند که با سازمان‌دهی کمپین‌های اجتماعی برای تغییر آگاهی و آموزش مردم در روستاهای لهستان را مرتفع سبز، توسعه‌ی پایدار و مسئولیت اجتماعی می‌تواند برخی از موانع توسعه اقتصاد سبز در روستاهای لهستان را مرتفع کنند. پاتریک سودرهم^۲ (۲۰۲۰) در پژوهش خود با عنوان انتقال اقتصاد سبز: چالش‌های تغییر فناوری برای پایداری به دنبال بحث در مورد تعدادی از چالش‌های پیش روی تغییر فناوری پایدار است که باید توسط سیاست‌گذاران و متخصصان در سطوح مختلف جامعه به درستی درک شود و در نهایت به این استدلال می‌رسد که تغییر فناوری پایدار به ترتیب به ارزیابی مجدد نقش صنعت خصوصی و دولت نیاز دارد و تحقیقات آینده باید به‌طور فزاینده‌ای به شناسایی چالش‌ها و اجرای ترکیبات ابزار سیاست جدید در زمینه‌های مختلف نهادی بپردازد. الکساندرو و فدورووا^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «اقتصاد دیجیتال و اقتصاد سبز: بیکاری روستایی و خود توسعه ارضی در روسیه» به دنبال راهکارهایی برای مرتفع ساختن مشکلات بیکاری در روستاهای کشور روسیه بودند و نهایتاً به این نتیجه دست یافتند که اقتصاد روستایی را با کمک ابزارهای خود توسعه نو سازی کنند و جامعه محلی را در کارآفرینی و اقتصاد دیجیتال مشارکت دهند و ضمن رفع مشکل بیکاری از این طریق در حفظ محیط‌زیست و دست یافتن به اقتصاد سبز پیشرفت حاصل کنند. هم‌چنین تامبووچیا و ترشینا^۴ (۲۰۱۸) در تحقیق با عنوان «پتانسیل اقتصادی اقتصاد «سبز» در توسعه مناطق روستایی» به این نتیجه رسیدند که برای رسیدن پتانسیل اقتصادی در حوزه‌ی اقتصاد سبز در نواحی روستایی

1- Jurczak & Mickiewicz

2- Soderholm

3- Aleksandrov and Fedorova

4- Tambovceva and Tereshina

موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی و .../ دری و توکلی

نیازمند مؤلفه‌هایی چون طبیعی، فنی، زیرساختی، جمعیتی، مالی و سرمایه‌گذاری و همچنین منابع آمادگی اجتماعی جوامع محلی برای توسعه اقتصاد «سبز» است و به طبع نبود هر یک از این مؤلفه‌ها می‌تواند موانعی را برای ایجاد اقتصاد سبز در نواحی روستایی به همراه داشته باشد. ماران و ندلئا^۱ (۲۰۱۷) در تحقیق با عنوان «اقتصاد سبز: چالش‌ها و فرصت‌ها» به این مسئله اشاره می‌کنند که اقتصاد سبز با چالش‌های بی‌شماری روبرو است که بزرگ‌ترین این چالش‌ها امور مالی و فناوری هستند. پیتکینن و همکاران^۲ (۲۰۱۶) پس از بررسی رویکرد پنج کشور اروپایی در ۱۰ بخش اقتصاد سبز درمی‌یابند که اجرای عملی و موفقیت‌آمیز سیاست‌های اقتصاد سبز مستلزم رهبری و هماهنگی اهداف چندگانه متعدد است و این نفع متقابل در گرو ارزیابی آثار معتبر و یکپارچه‌سازی تحقیق و توسعه در فرایندهای عملیاتی است. هم‌چنین گریموالکسیس^۳ (۲۰۱۵) در تحقیق با عنوان «معما در اجرای اقتصاد سبز در منطقه گو تنگ» پس از مصاحبه با سیاست‌گذاران و کنشگران منطقه‌ای، مهم‌ترین دلیل عدم اجرای راهبردهای اقتصاد سبز را، وضعیت ناپایدار تاریخی اقتصاد منطقه‌ای و تضادهای ناشی از مسیرهای رشد قدیمی با مسیر اقتصاد سبز اعلام می‌کنند.

قربانی و عامریان (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «اقتصاد سبز برای دستیابی به توسعه پایدار و بدون تخریب محیط زیست» به این مسئله اشاره دارند که یکی از ویژگی‌های اقتصاد سبز را از رژیم‌های اقتصادی قبل متمایز می‌سازد، ارزیابی مستقیم سرمایه‌های طبیعی مانند تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی از طریق ارزش‌گذاری اقتصادی آن‌هاست. ابراهیم‌زاده و دیمن کاشفی (۱۳۹۷) در ارزیابی پایداری منطقه‌ای با رویکرد اقتصاد سبز شهرستان‌های استان آذربایجان غربی با این نتایج روبه‌رو شد که شاخص سلامت محیطی و مخاطرات برترین نقش و قدرت تبیین را در پیش‌بینی تحقق پایداری در محدوده مورد مطالعه داشته و شاخص خدمات محیطی و رفاه کم‌ترین نقش و قدرت تأثیرگذاری را در تحقق پایداری استان آذربایجان غربی دارد. هم‌چنین ندایی طوسی و ملک خانی (۱۳۹۷) در چارچوب سنجش و ارزیابی وضعیت مناطق استانی ایران از منظر مفهوم اقتصاد سبز به این مهم دست یافتند که مناطق به‌شش گونه مناطق ابتدایی (توسعه‌نیافته)، مناطق ناپایدار، مناطق دارای رشد لجام‌گسیخته، مناطق حفاظتی و توزیعی، مناطق در حال گذار به سوی اقتصاد سبز و مناطق دارای اقتصاد سبز طبقه‌بندی می‌شوند. درنهایت حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «نقش آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی در توسعه مشاغل سبز و پایداری روستایی» به این نتیجه رسیدن که برای سرعت بخشیدن به اقتصاد سبز روستایی، لازم است جهت توسعه سرمایه‌گذاری در شرکت‌های روستایی و تقویت بازارهای سبز ظرفیت‌سازی شده و با توجه به اینکه آموزش روستایی، اثربخش‌ترین سازوکار برای توسعه پایدار روستایی است، آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی، متناسب با کسب‌وکارهای سبز مانند کشاورزی ارگانیک، تولید غذای سالم، صنایع فراوری و مدیریت تلفیقی آفات مورد توجه قرار گیرد و از سوی دیگر، فرهنگ اقتصاد سبز و بازده اقتصادی درازمدت آن در مناطق روستایی نهادینه شود.

با بررسی پیشینه‌ی تحقیق مشخص شد در حوزه موانع و چالش‌های توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی، پژوهشی بسیار کمی تعریف شده است. هم‌چنین به مفهوم اقتصاد سبز در کنار مفهوم کارآفرینی روستایی نیز با توجه به اهمیت موضوع، مورد پژوهش و بررسی قرار نگرفته است؛ اما درنهایت با مطالعه پژوهش‌های مشابه و نزدیک به پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که برای گذار از اقتصاد سنتی به سمت اقتصاد سبز با چالش‌ها و موانع متعددی از قبیل چالش‌های مالی و فناوری (Maran and Nedelea, 2017)، چالش آگاهی و آموزش مردم در مورد اقتصاد سبز، مشاغل سبز (Jurczak and Mickiewicz, 2021)، وضعیت ناپایدار تاریخی اقتصاد منطقه‌ای و تضادهای ناشی از مسیرهای رشد قدیمی با مسیر اقتصاد سبز (Pitkeanen et al, 2016) مواجه هستیم. هم‌چنین برای دستیابی به توسعه اقتصاد سبز به این نتیجه رسیده‌اند که مؤثرترین راهکار، آموزش و مهارت مردم و افزایش فرهنگ آن‌ها نسبت به اقتصاد سبز و

1- Maran and Nedelea

2- Pitkeanen et al

3- Graeme and Alexis

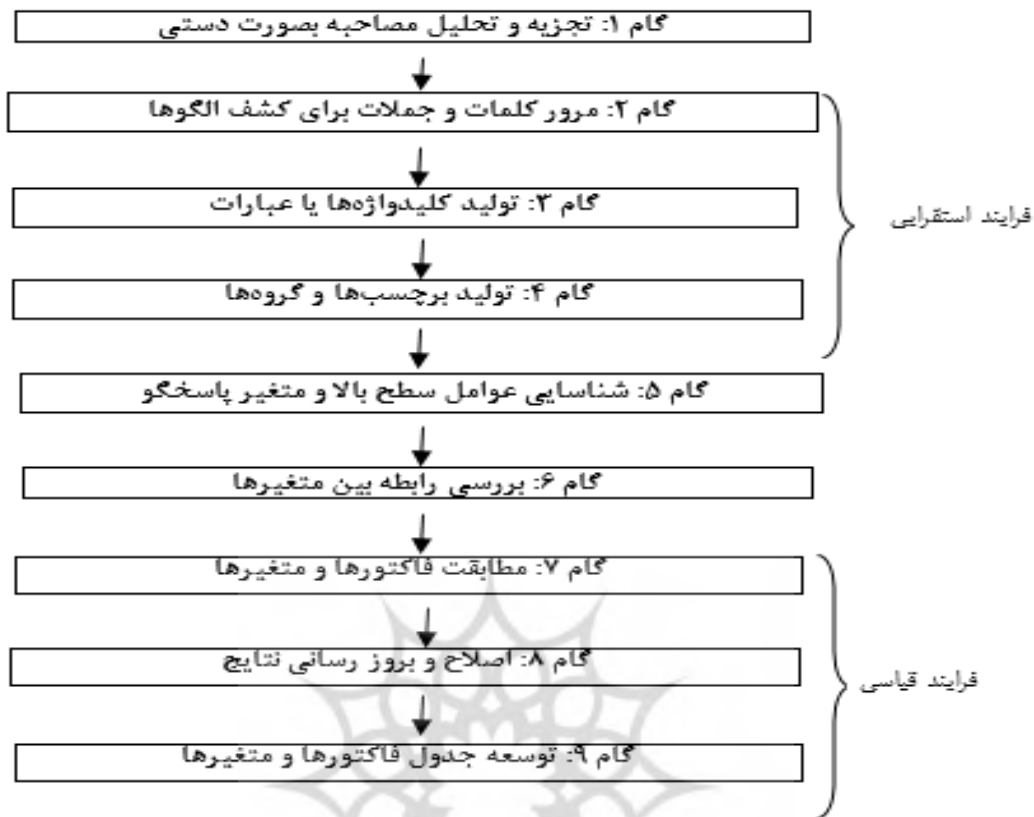
بازده اقتصاد درازمدت است (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۷). آنچه در پیشینه تحقیق دیده نمی شود چالش‌ها و موانع توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی به‌ویژه در کنار مفهوم کارآفرینی روستایی است؛ بنابراین در پژوهش حاضر ما به دنبال بررسی این موانع و چالش‌ها هستیم، به این امید که بتوانیم با مشخص کردن دقیق این موانع، به سیاست‌گذاران و متخصصان در سطوح مختلف جامعه بخصوص در سطح جوامع روستایی برای پیاده‌سازی برنامه‌های مناسب برای گذار از اقتصاد سنتی به سمت اقتصاد سبز در حوزه کارآفرینی روستایی گامی مثبت برداریم.

مواد و روش‌ها

با در نظر گرفتن هدف این پژوهش که بررسی موانع توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی استان اصفهان است این تحقیق از نوع توصیفی بوده و بر اساس رویکرد کلان، کیفی است که در آن، از راهبرد تحلیل محتوا برای تحلیل داده‌های متنی شامل مقالات، کتب و پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش است و نمونه‌ها از میان منابع در دسترس استخراج شد. این پژوهش در استان اصفهان انجام شد و جامعه آماری آن شامل دو گروه متخصصین حوزه اقتصاد، کارآفرینی و توسعه روستایی شامل اعضای هیئت‌علمی دانشگاه اصفهان، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه آزاد اصفهان (خوراسگان) و دانشگاه آزاد نجف‌آباد اصفهان می‌باشند؛ که به روش غیر تصادفی شبکه‌ای، نمونه‌گیری گلوله برفی و بر مبنای غنای نظری در بخش پیمایش کیفی (مطابق نظر جانسون^۱ (۲۰۱۰) در گروه‌های همگن تعداد ۱۵-۱۰ نفر کفایت می‌کند) نمونه‌گیری تا حد اشباع مقوله یعنی تا جایی که در جریان مصاحبه‌ها هیچ اطلاعات جدیدی به دست نیامده، ادامه یافت و در نهایت حجم نمونه ۱۰ نفر از افراد خبره و متخصصین پایان یافت. در بخش پیمایش پرسش‌نامه‌ای جهت تحلیل عامل اکتشافی ۴۰ نفر از کارآفرینان رشته‌های مختلف کشاورزی و صنایع تبدیلی (۲۲ نفر)، گردشگری (۵ نفر)، صنایع دستی (۹ نفر)، بازیافت و کمپوست‌سازی (۳ نفر)، بازاریابی اینترنتی محصولات روستایی (۱ نفر) شرکت داشته‌اند. البته منظور آن دسته از کارآفرینانی هستند که از زمان معرفی و شروع به کارآفرینی تا مرحله رشد کسب‌وکارشان حداقل ۳ سال گذشته باشد؛ چراکه زمان متوسط برای راه‌اندازی و رشد یک کسب‌وکار ۳ سال است (امینی و حسینی ماچک پستی، ۱۳۹۶). با بررسی مراکز چون سازمان نظام‌مهندسی کشاورزی استان اصفهان، سازمان جهاد کشاورزی استان و شهرک علمی تحقیقاتی اصفهان، کانون کارآفرینان استان، دفتر عمران روستایی استانداری، بخش‌داری-های شهرستان، مراکز خدمات جهاد کشاورزی واقع در دهستان‌ها و اداره کل تعاون روستایی استان اصفهان، جامعه آماری برابر با ۴۰ نفر برآورد گردید که به دلیل محدود بودن حجم جامعه، کل اعضا موردبررسی قرار گرفتند و از نمونه‌گیری استفاده نشد. داده‌های موردنیاز از طریق بررسی پیشینه تحقیق و اسناد و مدارک و همچنین مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته اکتشافی محقق ساخته گردآوری شد. روش انجام مصاحبه به این صورت بود که ابتدا زمان هر مصاحبه، با توجه به راحتی مصاحبه‌شوندگان و اطمینان از عدم ایجاد اختلال و مزاحمت کمتر در برنامه کاری آنان برنامه‌ریزی شد. هر جلسه مصاحبه رودررو و یا تلفنی حدود ۱ تا ۲ ساعت زمان برد. گفتگوهای مفیدی در حین مصاحبه صورت می‌گرفت که منجر به کشف اطلاعاتی می‌گردید که در سؤال‌ها پیش‌بینی نشده بود. در حین مصاحبه حجم زیادی رونوشت تحت‌اللفظ و صداهای ضبط‌شده به دست آمد. برای آنالیز داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد زیرا مطالعه‌ی میدانی کیفی بیش‌تر دارای طبیعت اکتشافی است. جزئیات انجام تحلیل محتوا در نه گام در شکل ۱ نشان داده شده است. این فرایند شامل تجزیه و تحلیل هر یک از متون مصاحبه‌هاست. تحلیل به دلیل ماهیت ساده زبان استفاده‌شده توسط شرکت‌کنندگان در مصاحبه به صورت دستی انجام شد. محققان با دقت تمام معنی تک‌تک کلمات و جملاتی را که توسط شرکت

موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی و ... / دری و توکلی

کندگان بیان شده بود تفسیر نمودند. سپس ترکیبی از روش‌های قیاسی و استقرایی برای دسته‌بندی عوامل و متغیرها استفاده شد (Miles & Huberman, 1994).



شکل ۱. فرایند تحلیل محتوا

مأخذ: سرایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۲

در ابتدا متن همه مصاحبه‌ها به صورت دستی و با دقت تجزیه و تحلیل شد (گام ۱). یک فرایند استقرایی در تحلیل متن به کار گرفته شد که در آن هر کلمه و جمله برای کشف الگوها یا زمینه‌های کلیدی بررسی گردید (گام ۲). در این مرحله کلمات و عبارات کلیدی برای استفاده آتی استخراج شدند (گام ۳). برجسب و گروه‌های هر یک از کلمات یا عبارات کلیدی مشخص گردید (گام ۴). عوامل سطح بالا و متغیرهای مربوطه شناسایی شدند (گام ۵) و پس از آن رابطه بین عامل‌های هر متن شناسایی گردیدند (گام ۶). یک فرایند قیاسی در اینجا انجام شد که در آن مؤلفه‌های شناسایی شده با عواملی که قبلاً در ادبیات موضوع کشف شده بودند تطبیق داده شد (گام ۷). این عامل‌ها مورد بازبینی قرار گرفته و بدون تغییر جدی در عوامل و متغیرهای به دست آمده از مصاحبه، اصلاح و بروز شدند (گام ۸). در نهایت جدول عامل‌ها و متغیرهای هر مصاحبه ایجاد گردید (گام ۹). پس از استخراج مقوله‌ها، آن‌ها را در قالب یک پرسش‌نامه در اختیار جامعه آماری قرار داده و درجه اهمیت آن‌ها بر اساس طیف لیکرت پرسیده شد. سپس به منظور تلخیص متغیرها از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ استفاده شد. تحلیل عاملی از جمله روش‌های چندمتغیره است که برای پی بردن به ابعاد پنهان یک پدیده یا خلاصه کردن تعداد زیادی از متغیرها در تعداد محدودی از عامل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های محدودی تبیین می‌کند. به منظور تشخیص عامل‌هایی که احتمالاً ابعاد پنهان متغیرهای یاد شده هستند و همچنین تعیین ساختار ساده آن، روش چرخش واریماکس مورد استفاده قرار گرفت (رضوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰). مقدار Suppress absolute values در این تحلیل عاملی ۰/۵ در نظر گرفته شده است.

محدوده‌ی مورد مطالعه

استان اصفهان با مساحت ۱۰۷۰۴۵ کیلومتر مربع، بین ۳۰ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۳۸ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی در بخش مرکزی ایران واقع شده است و ششمین استان پهناور و سومین استان پرجمعیت کشور است. استان اصفهان از شرق به استان‌های یزد و خراسان جنوبی، از شمال به استان‌های سمنان و قم و مرکزی، از غرب به استان‌های لرستان و چهارمحال و بختیاری، از جنوب به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و فارس محدود است. از نظر طبیعی نیز استان به دشت کویر در شرق و شمال، رشته‌کوه‌های زاگرس در غرب و جنوب محدود شده است که این موقعیت طبیعی، از یک طرف محدودیت‌ها و از طرف دیگر پتانسیل‌ها و مزیت‌هایی را برای استان فراهم نموده است. اصفهان قطب تولید آهن، فولاد و همچنین صنایع دستی در ایران است. بر اساس آخرین آمار و تقسیمات کشوری این استان دارای ۲۵ شهرستان است و بیش از سه هزار و ۳۰۰ روستا دارد که تقریباً هزار و پانصد روستا خالی از سکنه است و حدود هزار و هشتصد روستا با جمعیت حدود ۷۱۱ هزار نفری زندگی روستایی را در استان رونق می‌دهند. روستاهای استان اصفهان در سال ۱۳۹۷ در بخش کشاورزی با داشتن حدود ۵۶۸ هزار هکتار اراضی کشاورزی و ۶ میلیون واحد دامی در مجموع حدود ۷/۵ میلیون تن تولید محصولات کشاورزی داشته که حدود ۵ درصد از تولیدات کشاورزی کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه منابع درآمدی در روستا معطوف به منابع طبیعی است مانند کشاورزی، گردشگری، صنایع دستی، کارآفرینی نیز در همین حوزه‌ها در حال گسترش است بنابراین توجه به حفظ محیط‌زیست در روستاها در کنار افزایش درآمدهای اقتصادی از توجه خاصی باید برخوردار شود و گامی از سوی اقتصاد سنتی به سمت اقتصاد سبز برای حفظ منابع محیطی این استان برداشته شود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان، ۱۳۹۷).

بحث و یافته‌های تحقیق

در ابتدا اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر مورد ارزیابی قرار گرفت. تعداد ۴۰ کارآفرین کشاورزی - روستایی استان اصفهان در این مطالعه شرکت داشتند. این افراد با میل و علاقه در این پژوهش شرکت کردند و لازم به ذکر است که آنان به دلیل تجارب کاری خود و به‌ویژه اینکه در حوزه کشاورزی و صنایع دستی روستایی و همچنین گردشگری و بازاریابی و بازیافت در مناطق روستایی مشغول به فعالیت اقتصادی هستند و از منابع طبیعی و محیط‌زیست این مناطق بهره‌برداری می‌کند و از مشکلات و چالش‌های موردنظر در این حوزه کاملاً آگاهی داشتند به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند. جدول ۱ اطلاعات دقیق‌تری از مشخصات دموگرافیک پاسخ‌گویان ارائه می‌دهد.

جدول ۱. مشخصات جمعیت شناختی پاسخگویان

ویژگی	گروه‌ها	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۳	۷/۵
	مرد	۳۷	۹۲/۵
سن	۲۹-۳۱ سال	۵	۱۲/۵
	۳۲-۳۴ سال	۱۰	۲۵
	۳۵-۳۷ سال	۹	۲۲/۵
	۳۸-۴۰ سال	۹	۲۲/۵
	۴۱ سال به بالا	۷	۱۷/۵
وضعیت تاهل	مجرد	۲	۵
	متاهل	۳۸	۹۵
میزان تحصیلات	دیپلم	۱۰	۲۵
	کارشناسی	۲۴	۶۰

موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی و ... / دری و توکلی

۱۵	۶	کارشناسی ارشد و دکتری	منابع مالی برای شروع کسب و کار
۲/۵	۱	کمک بلاعوض	
۳۰/۰	۱۲	وام	
۱۰/۰	۴	خود آورده	
۵۷/۵	۲۳	وام و خود آورده	اختراع و نوآوری
۴۷/۵	۱۹	بله	
۵۲/۵	۲۱	خیر	

از طریق تحلیل محتوا مقوله‌های مختلف محدودیت‌های موجود در توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی شناسایی شدند که در جدول ۲ نشان داده شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود دو عامل «عدم آموزش و ترویج اقتصاد سبز یا مشاغل سبز» و «عدم حمایت ویژه دولت از کارآفرینان با ایده‌های سبز» توسط کل جامعه آماری به‌عنوان موانع توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی مطرح شده‌اند. در مجموع هشت عامل توسط بیش از ۹۰ درصد از جامعه آماری مورد توجه بوده‌اند. هم‌چنین سه عامل «شرایط نابرابر رقابت با سایر حوزه‌ها»، «عدم استفاده از حمل‌ونقل‌های پاک در حوزه‌ی فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی» و «علاقه کم کارآفرینان به فعالیت‌های اقتصادی سبز» توسط کم‌تر از ۵۰ درصد جامعه آماری مورد توجه قرار داشته‌اند.

جدول ۲. موانع شناسایی شده در توسعه‌ی اقتصاد سبز در مناطق روستایی

ردیف	متغیر	فراوانی درصد
۱	عدم آموزش و ترویج اقتصاد سبز یا مشاغل سبز	۴۰
۲	عدم حمایت ویژه دولت از کارآفرینان سبز با ایده‌های سبز	۴۰
۳	نبود سازمان یا نهاد مشخص برای نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی و تأیید فعالیت در راستای اقتصاد سبز	۳۸
۴	نبود مقررات و استانداردهای خاص برای کنترل فعالیت‌های اقتصادی سبز (کسب و کارهای سبز)	۳۸
۵	نبود یا محدودیت بازارهای مشخص برای فروش محصولات سبز	۳۷
۶	عدم اولویت دولت در سرمایه‌گذاری برای سبز شدن بخش‌های اقتصادی روستاها	۳۷
۷	عدم تصویب مالیات سبز برای کسب و کارهایی که از منابع طبیعی استفاده می‌کنند	۳۷
۸	عدم به‌کارگیری فناوری‌های سبز، منظور حفاظت از منابع طبیعی	۳۶
۹	عدم وارد کردن هزینه‌های محیط زیستی در حساب‌های شرکت‌های خصوصی و سبز شدن حساب‌های شرکت به منظور شفاف‌سازی هزینه‌های محیط زیستی	۳۵
۱۰	عدم افزایش دانش محیط زیستی تصمیم‌گیران و مدیران مؤسسات رسمی و غیررسمی با تأکید بر بخش‌های اقتصادی	۳۵
۱۱	عدم آموزش کارآفرینی برای جوانان در کسب و کارهای سبز از جمله صنعت بازیافت، انرژی‌های نو، کشاورزی ارگانیک و ...	۳۴
۱۲	عدم توجه به روش‌های مبتنی بر خلاقیت سبز	۳۴
۱۳	نبود طرح‌های حمایتی و تشویقی از کارآفرینان سبز روستایی یا سرمایه‌گذاری سبز در بخش‌های مختلف اقتصادی روستایی	۳۲
۱۴	عدم ایجاد سازوکار مناسب برای ترویج اقتصاد سبز از جمله الزامات حرکت به سمت اقتصاد سبز در مناطق روستایی	۳۲
۱۵	عدم ترویج و آموزش استفاده از تولیدات و خدمات سبز برای مصرف‌کنندگان روستایی و شهری	۳۰
۱۶	کمبود تشکل‌ها و NGO-ها در حمایت از اقتصاد سبز در حوزه روستاها	۳۰
۱۷	عدم استفاده از منابع انرژی تجدید پذیر (پاک) در کسب و کارهای روستایی	۲۹
۱۸	عدم اطلاع‌رسانی و تبلیغ مؤثر در زمینه فعالیت‌های اقتصادی سبز	۲۸

۶۰	۲۴	عدم آشنایی با فناوری و یا روش‌های تولید محصولات و یا خدمات سبز	۱۹
۵۲/۵	۲۱	وجود قوانین و نظارت‌های سخت‌گیرانه در فرایند کسب مارک تولیدات سبز	۲۰
۵۲/۵	۲۱	شفاف‌سازی و به هنگام سازی آمار و اطلاعات و تسهیل دسترسی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت محیط‌زیست (مرتع، جنگل، خاک، میزان استحصال، آب، دریاچه و...)...	۲۱
۵۰	۲۰	عدم حمایت‌های مالی از کسب‌وکارهای سبز	۲۲
۳۰	۱۲	شرایط نابرابر رقابت با سایر حوزه‌ها	۲۳
۲۵	۱۰	عدم استفاده از حمل‌ونقل‌های پاک در حوزه فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی	۲۴
۲۵	۱۰	علاقه کم کارآفرینان به فعالیت‌های اقتصادی سبز	۲۵

جهت تحلیل موانع و مشکلات توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی استان اصفهان و شناخت مضامین اصلی، از تحلیل عاملی استفاده گردید. مقدار KMO، ۰/۷۰۱ و مقدار آزمون بارتلت ۴۸۹/۴۰۹ به دست آمد که در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار بود و حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده و مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی در حد بسیار خوبی بود. به منظور دسته‌بندی متغیرها از معیار مقدار پیشین استفاده گردید و عامل‌هایی مدنظر قرار گرفتند که مقدار ویژه آن‌ها از یک بزرگ‌تر بود. نتایج این تحلیل عاملی در جدول ۳ ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تبیین کل واریانس توسط ۴ عامل استخراج شده از گویه‌های مورد بررسی، ۸۰/۱۷۱ درصد است. ملاحظه می‌شود از ۲۵ گویه مورد بررسی، ۷ گویه در عامل اول قرار گرفتند که همگی به مسائل آموزشی و ترویجی اقتصاد سبز مربوط می‌شدند؛ بنابراین، عامل اول را می‌توان تحت عنوان «موانع آموزشی-ترویجی» نام نهاد که ۳۸/۸۸۰ درصد از واریانس کل را تبیین کرد. متغیرهای عامل دوم که تحت الشعاع «موانع ساختاری-محیطی» نام‌گذاری شد، ۱۷/۱۸۲ درصد از واریانس کل را تبیین کردند. تمامی متغیرهایی که در این عامل قرار گرفتند مربوط به موانعی هستند که مرتبط با نظام ساختاری - محیطی استان و محدودیت‌های این بخش در حوزه اقتصاد سبز در جامعه مورد مطالعه می‌باشد. متغیرهای عامل سوم تحت عنوان «موانع مدیریتی-فنی» قرار گرفتند که همگی به محدودیت‌هایی که سازمان‌ها (خصوصی و دولتی)، نهادها و افراد (کارآفرینان) در حوزه مدیریت و مهارت و دانش فنی دارند با آن مواجه هستند اشاره دارد. این متغیرها ۱۴/۸۰۸ درصد از کل واریانس را تبیین نمودند؛ و در نهایت گروه چهارم شامل ۵ متغیر و با تبیین ۹/۳۰۱ درصد از واریانس کل، همگی اشاره به موانع و محدودیت‌های حمایتی داشتند که تحت عنوان «موانع حمایتی-تشویقی» نامیده شدند.

جدول ۳. موانع شناسایی شده در توسعه اقتصاد سبز مناطق روستایی استان اصفهان

ردیف	عامل‌ها	متغیرها (گویه‌ها)	بار عاملی	تعداد گویه	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی
۱	موانع آموزشی و ترویجی	عدم آموزش و ترویج اقتصاد سبز یا مشاغل سبز	۰/۶۲۱	۵/۰۵۴	۳۸/۸۸۰	۳۸/۸۸۰
		عدم ترویج و آموزش واردکردن هزینه‌های محیط زیستی در حساب‌های شرکت‌های خصوصی و سبز شدن حساب‌های شرکت به منظور شفاف‌سازی هزینه‌های محیط زیستی	۰/۶۰۲			
		عدم افزایش دانش محیط زیستی تصمیم‌گیران و مدیران مؤسسات رسمی و غیررسمی با تأکید بر بخش‌های اقتصادی	۰/۹۰۵			
		عدم آموزش کارآفرینی برای جوانان در کسب‌وکارهای سبز از جمله صنعت بازیافت، انرژی‌های نو، کشاورزی ارگانیک و...	۰/۷۲۳			
		عدم آشنایی با فناوری و یا روش‌های تولید محصولات و یا خدمات سبز	۰/۸۹۴			

۳۵ چشم انداز مطالعات شهری و روستایی

موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی و ... / دری و توکلی

			۰/۹۰۱	عدم اطلاع رسانی و تبلیغ مؤثر در زمینه فعالیت‌های اقتصادی سبز	موانع زیرساختی و محیطی	۲
			۰/۷۸۳	عدم ترویج و آموزش استفاده از تولیدات و خدمات سبز برای مصرف‌کنندگان روستایی و شهری		
			۰/۶۲۲	عدم ایجاد سازوکار مناسب برای ترویج اقتصاد سبز از جمله الزامات حرکت به سمت اقتصاد سبز در مناطق روستایی		
			۰/۷۱۱	عدم حمایت ویژه دولت از کارآفرینان سبز با ایده‌های سبز		
			۰/۷۱۷	نبود سازمان یا نهاد مشخص برای نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی و تأیید فعالیت در راستای اقتصاد سبز		
۵۶/۰۶۲	۱۷/۱۸۲	۲/۲۳۴	۰/۸۸۱	نبود مقررات و استانداردهای خاص برای کنترل فعالیت‌های اقتصادی سبز (کسب‌وکارهای سبز)		
			۰/۷۶۰	نبود یا محدودیت بازارهای مشخص برای فروش محصولات سبز		
			۰/۶۰۱	وجود قوانین و نظارت‌های سخت‌گیرانه در فرایند کسب مارک تولیدات سبز		
			۰/۶۴۴	عدم استفاده از حمل‌ونقل‌های پاک در حوزه فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی		
			۰/۶۳۳	عدم استفاده از منابع انرژی تجدید پذیر (پاک) در کسب‌وکارهای روستایی		
			۰/۷۱۶	عدم توجه به روش‌های مبتنی بر خلاقیت سبز	موانع مدیریتی و فنی	۳
			۰/۶۸۸	عدم به‌کارگیری فناوری‌های سبز، منظور حفاظت از منابع طبیعی شفاف‌سازی و به‌هنگام سازی آمار و اطلاعات و تسهیل دسترسی به آن و اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت محیط‌زیست (مرتع، جنگل، خاک، میزان استحصال، آب، دریاچه و)...		
۷۰/۸۶۹	۱۴/۸۰۸	۱/۹۲۵	۰/۷۴۶	عدم اولویت دولت در سرمایه‌گذاری برای سبز شدن بخش‌های اقتصادی روستاها		
			۰/۷۳۷	عدم تصویب مالیات سبز برای کسب‌وکارهایی که از منابع طبیعی استفاده می‌کنند		
			۰/۶۵۵	عدم حمایت‌های مالی از کسب‌وکارهای سبز		
			۰/۵۹۹	شرایط نابرابر رقابت با سایر حوزه‌ها	موانع حمایتی - تشویقی	۴
			۰/۶۳۹	علاقه کم کارآفرینان به فعالیت‌های اقتصادی سبز		
۸۰/۱۷۱	۹/۳۰۱	۱/۲۰۹	۰/۵۰۲	کمبود تشکل‌ها و NFOها در حمایت از اقتصاد سبز در حوزه روستاها		
			۰/۵۵۶	نبود طرح‌های حمایتی و تشویقی از کارآفرینان سبز روستایی یا سرمایه‌گذاری سبز در بخش‌های مختلف اقتصادی روستایی		

نتیجه گیری

موفقیت اقتصاد سبز پیش نیازهای خاصی دارد؛ و سیاست‌های اقتصادی ملی باید به‌طور مداوم برای رسیدن به این هدف مهم تدوین و اجرا شوند؛ بنابراین گذار به اقتصاد سبز ممکن نیست مگر آنکه سازوکارهای آن اتخاذ گردد. گذار به توسعه کم‌کربن و پایدار، تغییراتی را در بازار کار و تقاضا برای مهارت‌های جدید و برنامه‌های بازسازی مهارت‌ها به وجود خواهد آورد که این خود، نیازمند برنامه‌ریزی و نیازسنجی آموزشی است. نیل به توسعه پایدار از طریق اقتصاد سبز روستایی، در صورت انسجام و سازگاری سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی امکان‌پذیر است. در این راستا، حمایت از فعالیت‌های اقتصادی سبز و توسعه اقتصاد سبز در روستاها گام مهمی برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی است. از همین رو برای رسیدن به این امر مهم نیاز است که به محدودیت‌ها و چالش‌های موجود بر سر راه توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی پی برد تا برای مرتفع شدن آن‌ها و تسهیل کردن مسیر اقتصاد سبز بتوان راهکارهای مناسب را به کار گرفت. این پژوهش باهدف بررسی و شناخت موانع و مشکلات توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی استان اصفهان و شناخت مضامین اصلی، ۲۵ مانع را به‌عنوان موانع توسعه اقتصاد سبز در مناطق روستایی شناسایی کرد که در ۴ دسته‌بندی موانع «آموزشی- ترویجی»، موانع «زیرساختی- محیطی»، موانع «مدیریتی- فنی» و درنهایت موانع «حمایتی- تشویقی» قرار گرفتند. با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان اذعان کرد برای تثبیت کردن و پیاده‌سازی اقتصاد سبز در فعالیت‌های اقتصادی مناطق روستایی اولین مانع، بحث آموزش و ترویج است که بااطلاع رسانی و آگاهی بخشی و ترویج و اشاعه اقتصاد سبز و مشاغل سبز که زیرمجموعه اقتصاد سبز قرار می‌گیرند به سطوح مختلف جامعه چه فعالان حوزه اقتصاد مثل کارآفرینان و چه مصرف‌کنندگان روستایی این آگاهی را داد که برای رسیدن به توسعه اقتصاد سبز باید از فناوری‌ها سبز، محصولات و تولیدات سبز حمایت کرد و برای حفاظت از محیط‌زیست در فعالیت‌های اقتصادی خود همگام با اهداف اقتصاد سبز عمل کنند تا بتوان از اقتصاد سنتی گذر کرد. هم‌چنین دولت و نهادها باید برای رفع موانع زیرساختی- محیطی، مدیریتی- فنی و حمایتی- تشویقی سیاست‌های مناسب مانند ارائه تسهیلات و یارانه‌های سبز، حمایت از بازارهای سبز، ایجاد و ضمانت اجرایی قوانین و لوایح زیست‌محیطی در فعالیت‌های اقتصادی، تصویب مالیات سبز برای کسب‌وکارهایی که از منابع طبیعی استفاده می‌کنند، اتخاذ کنند و هم‌چنین شفاف‌سازی و به‌هنگام سازی آمار و اطلاعات و تسهیل دسترسی همگان به آن و اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت محیط‌زیست (مرتج، جنگل، خاک، میزان استحصال آب، دریاچه و...) در دستور کار سازمان‌ها و شرکت‌ها قرار دهند. از دیگر راهکارهای مرتفع سازی موانع و چالش‌های پیش روی توسعه اقتصاد سبز روستایی این خواهد بود که اولویت دولت، در سرمایه‌گذاری برای سبز شدن بخش‌های اقتصادی روستاها و حمایت و تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه باشد و نهایتاً به‌کارگیری فناوری‌های سبز برای کسب‌وکارها و فعالیت‌های تولیدی، به‌منظور حفاظت از منابع طبیعی از اهمیت و توجه خاص برخوردار شود؛ بنابراین برای سرعت بخشیدن و جلوگیری از موانع اقتصاد سبز در مناطق روستایی، لازم است جهت توسعه‌ی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های روستایی و تقویت بازارهای سبز، ظرفیت‌سازی صورت بگیرد و آموزش مهارتی و کارآفرینی متناسب با اقتصاد سبز مانند صنعت بازیافت، انرژی‌های نو، کشاورزی ارگانیک و اکو توریسم سبز (پاک) موردتوجه قرار بگیرد و از سوی دیگر فرهنگ و آموزش اقتصاد سبز و بازده اقتصادی درازمدت آن در مناطق روستایی نهادینه شود. در پایان باید بیان کنیم که توسعه‌ی پایدار به‌صورت عام و توسعه روستایی به‌طور خاص یک تعهد و یک ضرورت است و نمی‌توان به آن به دیده یک انتخاب نگریست، پس در این صورت گذار به سمت اقتصاد سبز امری گریزناپذیر خواهد بود.

منابع

- امینی، علیرضا؛ و حسینی ماچک، شیما (۱۳۹۶). شناسایی ویژگی‌های هوش کارآفرینانه زنان کارآفرین: مطالعه‌ای کیفی با استفاده از تحلیل محتوای قراردادی، توسعه‌ی کارآفرینی، ۱۰(۲)، تابستان ۱۳۹۶، صص ۳۵۹-۳۷۴.
- حسین زاده، علی؛ یوسف پور، محمدرضا؛ و احد زاده، سید سعید. (۱۳۹۷). نقش آموزش‌های مهارتی و کارآفرینی در توسعه‌ی مشاغل سبز و پایداری روستایی. نشریه کار و جامعه، شماره ۲۱۷، صص ۸۰-۸۵.
- رضوانی، محمدرضا؛ و صفایی، جواد. (۱۳۸۴). گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی: فرصت یا تهدید، مطالعه‌ی موردی: نواحی روستایی شمال تهران، فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۳۷، صص ۱۲-۱۰۹.
- رضوی، مصطفی؛ فلاح حقیقی، نگین؛ رضوان فر، احمد؛ و کلانتری، خلیل. (۱۳۹۱). تحلیل موانع کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی ایران (از دیدگاه دانشجویان)، مدیریت دولتی، ۴(۱۰)، صص ۷۸-۵۹.
- زاهدی، محمدجواد؛ غفاری، غلامرضا؛ و ابراهیمی لویه، عادل. (۱۳۹۱). کاستی‌های نظری برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، پژوهش‌های روستایی، ۴(۱۲)، دانشگاه تهران، صص ۲۴-۱.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان. (۱۳۹۷). گزارش سنتز مطالعات آمایش استان اصفهان، سازمان برنامه‌و بودجه کشور.
- سجاسی قیداری، حمدالله؛ و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۵). توسعه‌ی پایدار کارآفرینی گرد شگری با تأکید بر مناطق روستایی، انتشارات سمت، صص ۱-۴۰.
- سرایبی، سودابه؛ افراخته، حسن؛ ریاحی، وحید؛ و جلالیان، حمید. (۱۳۹۵). مدل‌سازی مدیریت پایدار دفاتر ICT روستایی با استفاده از هوش تجاری، فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۹(۴)، صص ۱۱۵-۱۴۳.
- سعیدی، عباس؛ و ابراهیم رستگار. (۱۳۸۸). اثربخشی طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در توسعه اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی (بخش ورای شهرستان مهر)، نشریه علمی و پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، شماره ۴۷، صص ۲۲-۶۳.
- قربانی، محمد؛ و بنی‌عامریان، سجاد. (۱۳۹۸). اقتصاد سبز برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار و بدون تخریب محیط‌زیست، مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، ۵(۴)، صص ۱۴۶-۱۶۱.
- مرکز آمار ایران سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۳۹۵). نتایج طرح آمارگیری نیروی کار.
- مطیعی لنگرودی، حسن؛ و یاری، ارسطو. (۱۳۹۰). حفاظت محیط‌زیست و برنامه‌ریزی توسعه فیزیکی روستا با تأکید بر ارزیابی طرح‌های هادی روستایی، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۱(۳)، صص ۴۵-۶۰.
- ندایی طوسی، سحر؛ و ملک‌خانی، عاطفه. (۱۳۹۷). چارچوب سنجش و ارزیابی وضعیت مناطق استانی ایران از منظر مفهوم اقتصاد سبز، محیط‌شناسی، ۴۴(۴)، صص ۶۶۱-۶۸۸.
- Abbasian, A. R., Chizari, M., and Bijani, M. (2017). Farmers' views on the factors inhibiting the implementation of soil conservation practices (the case of Koohtasht Township, Iran). *Journal of Agricultural Science and Technology (JAST)*, 19(4), 797-807.
- Bacher, A. (2011). *10 Conditions for a transition toward a GREEN ECONOMY*. Paris, France: Policy Manager - Environment and Energy International Chamber of Commerce (ICC), 213-18/7.
- Bednarz, P., and Kulawczuk, P. (2014). *Strategia Rozwoju zielonej Gospodarki I Zielonego Rynku Pracy W Wielkopolsce*, Fundacja, Instytut Badań NAD Demokracją i Przedsiębiorstwem, www.zielonawielkopolska.pl Bergius, 205.
- Boden, T. A., Andres, R.J., and Marland, G. (2017). *Global, Regional, and National Fossil-Fuel CO2 Emissions 1751-2014*.
- Chick, A., 2009, *Green Entrepreneurship: A Sustainable Development Challenge*. London: SAGE Publications. 139 - 150.

- Diyar, S., Akparova, A., Toktabayev, A., and Tyutunnikova, M. (2014). Green Economy - Innovation-Based Development of Kazakhstan, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 140, 695 – 699.
- Graeme, G., and Alexis, S. (2015). Conundrums in implementing a green economy in the Gauteng City-Region. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 79–87
- Howley, P., Yadav, L., Hynes, S., Donoghue, C.O., and Neill, S.O. (2014). Contrasting the attitudes of farmers and the general public regarding the ‘multifunctional’ role of the agricultural sector. *Land Use Policy*, 38, 248–256.
- Jamil, M. (1991) *Rural Development Model in Malaysia*, pp20-21.
- Jansen, H. (2010). The Logic of Qualitative Survey Research and its Position in the Field of Social Research Methods. *Forum Qualitative Sozialforschung / Forum: Qualitative Social Research*, 11(2). <https://doi.org/10.17169/fqs-11.2.1450>
- Kasztelan, A. (2017). Green Growth, Green Economy and sustainable development: terminological and relational discourse. *Prague Economic Papers*, vol. 26, pp. 487–499.
- Magnuszewski, A. (2010). Zastosowanie techniki GIS w ocenie zagrożeń naturalnych - dawnych i przyszłych, [w:] Ciupa T., Suligowski R. (red.) *Woda w badaniach geograficznych*. Instytut Geografii Uniwersytet Jana Kochanowskiego Kielce.
- Maran, R. M., and Nedelea, A. M. (2017). *Green Economy: Challenges and Opportunities*, Volume 6, Issue 3(13).
- Mickiewicz, B., and Jurczak, R. (2021). Barriers to the Development of Green Economy in Rural Areas of Selected Districts of the Greater Poland Province, *European Research Studies Journal* Volume XXIV, Issue 2, pp. 314-324.
- Miles, M. B., and Huberman, A. M. (1994). *Qualitative data analysis: An expanded sourcebook* 2nd Ed, Sage Publications, Inc., Arizona State University.
- Muñoz, P. and Dimov, D., 2015, The call of the whole in understanding the development of sustainable ventures, *Journal of Business Venturing*, Vol. 30 No. 4, pp. 632 -654 .
- OECD (2012). *Green growth and developing countries: A summary for policymakers*. Paris: OECD.
- Orenstein, D. E., and Shach-Pinsley, D. (2017). A Comparative Framework for Assessing Sustainability Initiatives at the Regional Scale, *World Development* Vol. 98, pp. 245–256, 2017 0305-750X/ 2017 Elsevier Ltd. All rights reserved.
- Pitkeanen, K., Antikainen, R., Droste, N., Loiseau, E., Saikku, L., and Aissani, L. (2016). What can be learned from practical cases of green economy? *Studies from five European countries*. *Journal of Cleaner Production*, 666-676.
- Richards, J. P. (2002). Sustainable development and the minerals industry, department of earth and atmospheric sciences, university of Alberta, (publicized in the society of economic geologists newsletter, January).
- Ryszawska, B. (2013). Zielona gospodarka-teoretyczne podstawy koncepcji i pomiar jej wdrażania w Unii Europejskiej, *Monografie i Opracowania Uniwersytetu Ekonomicznego we Wrocławiu*, Number 247, 250
- Sekerka, L. E., & Stimel, D. (2011). How durable is sustainable enterprise? Ecological sustainability meets the reality of tough economic times. *Business Horizons*, 54(2), 115-124.
- Soderholm, P. (2020). The green economy transition: the challenges of technological change for sustainability, *Sustainable Earth, Economics Unit*, Luleå University of Technology, Luleå, Sweden, 2-11.
- Szyja, P. (2015). Pojęcie, tworzenie i pomiar zielonej gospodarki. *Gospodarka w praktyce i teorii*, 2(39), 21-38, <http://dx.doi.org/10.18778/1429-3730.39.02>.
- Tambovceva, T., & Tereshina, M. (2018). Economic potential of “green” economy in development of rural territories. In *Economic Science for Rural Development Conference Proceedings* (Vol. 48, pp. 259-267).
- Towards Green Growth: Monitoring Progress. (2011). OECD Indicators. <https://www.oecd.org/greengrowth/48224574.pdf>.

موانع توسعه اقتصاد سبز در کارآفرینی و ... / دری و توکلی

UNEP. (2012). Briefing (Green Economy). Nairobi, Kenya: United Nation Environment Program.

UNESCAP (2012). Green Growth, Resources and Resilience. Environmental Sustainability in Asia and the Pacific. Bangkok. ISBN 978-92-1-120635-7.

United Nations Environment Program (UNEP). (2011). Towards a Green Economy: Pathways to Sustainable Development and Poverty Eradication. UNEP/GRID, Arendal, Nairobi/Arendal.

World Bank. (2012). Inclusive Green growth: The pathway to sustainable development. Washington, DC: World Bank.

